



موضوع : پیامد های خشونت

زناشویی

سال : 1402

چکیده

خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی است که از دیرباز مورد توجه ،فرهنگ ادیان و اقوام گوناگون بوده است اما بروز خشونت در خانواده و بویژه علیه زنان سبب ناسازگاری ها و دشمنی که این نهاد اجتماعی را در ایفای نقش خود دچار مشکل کرده است .

این پژوهش با هدف بررسی عوامل زمینه ساز این نوع خشونت با مردان، صورت گرفته است .

کلید واژه :

خشونت، خشونت زناشویی، خشونت زناشویی مردان علیه زنان، مرد سالاری.

مقدمه و بیان مسأله

خانواده، نخستین و پایدارترین نهاد اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه‌پذیری فرد در آن شکل می‌گیرد و پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، انتقال الگوهای روابط و تعامل به سایر نهادهای اجتماعی را سبب شده است. بدون شک، هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی از تأثیر خانواده جدا نیستند. نهاد خانواده هنگامی کارکرد خود را به‌درستی انجام می‌دهد که دچار نابسامانی و آشفتگی نباشد. خشونت، سلامت و امنیت خانواده را تهدید می‌کند. خشونت خانگی یا خشونت علیه زنان در خانواده، شایع‌ترین شکل خشونت علیه آنهاست که در آن، رفتار خشن یکی از اعضای خانواده (معمولاً مرد) نسبت به یکی دیگر از اعضای خانواده (معمولاً زن) است.

خشونت بر تمامی جنبه‌های رفتاری، رفتاری و حرکتی، تأثیر می‌گذارد، و جدا از عواملی مانند سن، نژاد، قومیت می‌تواند به صورت آزار ملیت رخ می‌دهد. و می‌تواند به صورت خشونت صمیمانه و جنسی، جسمی و روانشناختی باشد. اصلی‌ترین انواع خشونت، خشونت صمیمانه است که با وجود پیامدهایی مانند معلولیت‌های شدید و حتی مرگ، چندان مورد توجه

قرار نگرفته و بعد روانشناختی و اجتماعی آن کاملاً شناخته نشده است. خشونت صمیمانه در ابتدا فقط به مردان نسبت داده میشد، زیرا داده ها معمولاً از گزارشهای پلیس که به خشونتهای شدید مربوط است، استخراج میشد. بررسی های جدیدتر نشان داده اند زنان نیز مرتکب خشونت میشوند، مشکلات ارتباطی در بحث و جدلها بیشتر دوسویه و خصومت آمیز است؛ چنانچه یکی از زوجین با عصبانیت صحبت کند، دیگری هم به همین صورت واکنش نشان میدهد. آنها تحقیر و توهین زیادی نسبت به هم روا میدارند و این وضعیت مدت زمان قابل توجهی به درازا می کشد. (خشونت زناشویی دوسویه در ایران نیز گزارش شده است). گرچه شاید خشونت جنسی شایعترین نوع خشونت محسوب می شود. پژوهشها نشان داده اند باورها و نگرشهای ناکارآمد به پالایش، پردازش و ارزیابی اشتباه امور زناشویی می انجامد و معمولاً ناپایداری و نارضایتی زناشویی را افزایش می دهد، احتمالاً زمانی که زن و شوهر به مدت طولانی در شرایط بدرفتاری قرار می گیرند، دیدگاه های تحریف شده ای درباره نوع و نحوه ارتباط در آنها شکل میگیرد. هنوز روشن نیست که آیا وجود مشکل و مهارتهای ضعیف حل کشمکش است که مانع شکل گیری و توافق همکارانه میشود یا وقوع بدرفتاری در آن ها می شود. پژوهش در زمینه پیشگیری از خشونت زناشویی نشان داد نحوه اسناد مردانی که همسرانشان را کتک می زنند، نقش اساسی در افزایش خشونت و خصومت و استرس دارد.

چنانچه از نوشته های پژوهشی برمی آید، بررسی ها بیشتر بر حمله جسمانی و در برخی موارد بر خشونت روانشناختی متمرکز بوده، داده ها در مورد میزان همراهی انواع خشونت، به ویژه خشونت جنسی، نگرش زناشویی زنان قربانی خشونت جنسی و نحوه اسناد دهی آنان اندک است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان همراهی خشونت جسمانی و روانشناختی با خشونت جنسی در زوج های ایرانی و همچنین بررسی رابطه خشونت جنسی و نگرشهای زناشویی زنان قربانی خشونت جنسی انجام شد.

ازدواج نیازمند همکاری، همدلی، وحدت، علاقه، مهربانی، بردباری و مسوولیت‌پذیری است. با شروع ازدواج و ایجاد رابطه زناشویی، رضایت زناشویی به متغیری مهم در رابطه با کیفیت ازدواج بدل می‌شود. عواملی چون اطلاعات فردی و نوعی (تفاوت بین زن و مرد)، بلوغ، انگیزه، شرایط انتخاب همسر و ویژگی‌های شخصیتی از عوامل مؤثر در کیفیت ازدواج است. پایداری، بیانگر حفظ رابطه‌ی همسری در گذر زمان است. البته، ازدواج، حتی اگر با عالیترین کیفیت هم شکل گیرد، نمیتواند تضمین‌کننده حفظ پایداری و سازگاری آن در گذر زمان باشد. بیشتر افرادی که ازدواج می‌کنند در آغاز زندگی دارای سطح بالایی از رضایت زناشویی هستند، اما افزون بر کاهش تدریجی که با گذشت زمان در رضایتمندی زناشویی رخ می‌دهد، در همان هفته و ماه‌های نخست ازدواج نیز مشکلات جدی رخ می‌دهد که اگر حل نشود می‌تواند، رضایت و ثبات رابطه زناشویی را مورد تهدید قرار دهد، وجود همان خشونت زناشویی در روابط زوجین می‌باشد، از آن جا که خانواده به منزله پناهگاهی مقدس برای آسایش خانواده و هماهنگی بنا شده است، خشونت زناشویی حقیقتاً با آن همخوانی ندارد و از نظر لغوی هم با چنین مفهومی از خانواده ناهمگون است. خشونت تصویر آرام خانه و نیز امنیتی را که حاصل خویشاوندی است، در هم می‌شکند. با این حال، بر اساس شواهد موجود، سرشت دسیسه انگیز این خشونت در سراسر جهان و در میان ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف به اثبات رسیده است.

تبعیض و خشونت علیه زنان در تمامی جوامع بشری با وجود تفاوت در میان مذاهب و دیگر تفاوت‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی وجود داشته و پدیده‌ای است جهانی، فرا تاریخی و فرا فرهنگی که عمری به قدمت تاریخ بشریت دارد. اما یکی از انواع متداول خشونت خانگی، خشونت بین همسران و بویژه خشونت علیه زنان می‌باشد. سازمان بهداشت جهانی در اولین مطالعه جهانی خود درباره خشونت علیه زنان نتیجه گرفته است که در هر 18 ثانیه یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می‌گیرد و حتی بارداری، هم زنان را از خشونت مردان مصون نگه نمی‌دارد و آمار دیگر سازمان جهانی بهداشت بیانگر آن است که 16 درصد زنان توسط شریک زندگی خود مورد خشونت واقع می‌شوند. در سال 1999. بررسی 36. کشور جهان نشان داد که 10 درصد زنان ازدواج کرده یا

- کردن داشتن شریک‌های عاطفی متعدد و متهم شدن به خیانت (در فرد پرخاشگر)
- نگرش‌های نادیده گرفتن خشونت (در فرد پرخاشگر).
- نسبت دادن موقعیت بالاتر به مردان و جایگاه پایین‌تر به زنان

• عوامل مربوط به شریک عاطفی پرخاشگر:.

- سابقه‌ی خشونت
- اختلاف زناشویی و نارضایتی
- مشکلاتی در ارتباط برقرار کردن با شریک خود
- داشتن رفتارهای مردانه‌ی سلطه‌گر بر شریک خود

• عوامل مربوط به افرادی که خشونت جنسی اعمال می‌کنند:

- احترام به خانواده و پاکی رابطه جنسی
- داشتن ایدئولوژی حق برتری مردان در رابطه‌ی جنسی
- داشتن قوانین و مقررات ضعیف برای خشونت جنسی
- نابرابری جنسی و باورهای رایج پذیرفته شده درباره‌ی خشونت علیه زنان، سرچشمه‌ی ایجاد این خشونت‌ها هستند.

تاثیرات خشونت بر سلامتی چیست؟

شرکای عاطفی که آسیب‌های فیزیکی و احساسی وارد می‌کنند، و همچنین خشونت جنسی باعث ایجاد مشکلات فیزیکی، روحی و جنسی در کوتاه مدت و بلند مدت برای زنان می‌شوند. آنها همچنین بر فرزندان این زنان هم تاثیر می‌گذارند..

بعضی خشونت‌ها می‌توانند:.

- تاثیرات مرگباری مثل قتل و خودکشی
- منجر به جراحت شوند، حدود ۴۲٪ زنان که مورد خشونت همسر خود قرار گرفتند گزارش جراحت داده‌اند
- باعث حاملگی ناخواسته، سقط جنین، بیماری‌های دستگاه مثل اچ آی وی می‌شود. تناسلی زنان، بیماری‌های مقاربتی تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد احتمال ابتلا به بیماری‌های مقاربتی در زنانی که خشونت جنسی یا جسمی را تجربه کرده‌اند ۱/۵ برابر همچنین احتمال سقط جنین در آنها دو برابر است.

- اعمال خشونت شریک عاطفی در زمان بارداری احتمال سقط خود به خودی جنین، مرده به دنیا آمدن نوزاد، زایمان زودرس و کم وزنی نوزاد را افزایش می‌دهد. طبق تحقیقات زنانی که مورد خشونت قرار گرفتند. تمایل سقط جنین آنها ۱۶٪ و زایمان زودرس ۴۱٪ بوده است.
- خشونت‌ها باعث افسردگی، استرس پس از حادثه و سایر اختلالات اضطرابی، اختلالات خواب، اختلالات خوردن و اقدام به خودکشی در زنان می‌شود. بر اساس تحقیقی که در سال ۲۰۱۳ انجام شد، احتمال ابتلا به افسردگی و اختلال الکلی در زنان خشونت دیده دو برابر است.
- عواقب خشونت در سلامتی زنان شامل سردرد، کمر درد، درد شکمی، اختلالاتی در معده و روده، محدودیت‌های حرکتی و عدم سلامت جسمی کامل می‌باشند.
- خشونت جنسی، خصوصاً در دوران کودکی، احتمال سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر و الکل، انجام رفتارهای جنسی پرخطر در آینده را افزایش می‌دهد. این مورد در مردانی که خشونت اعمال می‌کنند و زنانی که قربانیان خشونت هستند، دیده می‌شود.

پیش‌گیری از خشونت علیه زنان و درمان:

تحقیقات درباره‌ی کارآمدی برنامه‌های پیشگیری و درمان خشونت علیه زنان هر روز در حال افزایش است؛ اما چیزی که زنان واقعاً نیازمند آن هستند، منابع بیشتری برای جلوگیری و درمان خشونت‌های جنسی و جسمی است، به طوری که در مراحل ابتدایی جلوی این خشونت‌ها گرفته شود.

شواهد حاصل از کشورهای پر درآمد نشان می‌دهد که وکالت و مشاوره دادن به خشونت دیدگان و بازماندگان برای دسترسی بهتر به خدمات، میزان خشونت را در این کشورها کاهش داده است. برنامه‌های ویزیت خانگی، شامل کارکنان خدمات درمانی، که برای کمک رسانی توسط پرستاران آموزش دیده‌اند، باعث کاهش خشونت جنسی شده است، گرچه این برنامه‌ها هنوز در مناطق فقیرنشین انجام نشده. استراتژی‌های امیدبخشی در مناطق فقیرنشین انجام شده که عبارتند از: به افرادی که اختیار اقتصادی و اجتماعی زنان را در دست داشتند آموزش‌هایی مبتنی بر برابری جنسی داده شد، که باعث

یادگیری مهارت‌های ارتباطی بهتر در زوجها شده؛ کاهش دسترسی به الکل و مصرف آن، تبدیل باورهای غلط جنسیتی و رایج در جامعه به وحدت و یگانگی در جامعه و مشارکت در گروه‌های تحصیلی شامل زنان و مردان برای به وجود آوردن تفکر حیاتی و صحیح درباره‌ی نابرابری‌های جنسیتی و قدرت روابط مشترک است.

سهم مردان در پایان دادن به «خشونت علیه زنان» چیست؟
معمولاً خشونت علیه زنان به عنوان مشکلی مختص به زنان محسوب می‌شود، اما از آنجایی که اکثر خشونت‌های جنسی و درون روابط از سوی مردان صورت می‌گیرد، موضوع «خشونت علیه زنان» به همان اندازه مشکلی برای مردان هم می‌باشد.

ما آگاهیم که خیلی از مردان دست به خشونت نمی‌زنند و عمیقاً نسبت به سلامت روان زنان زندگی‌شان ارزش قائل‌اند. طبق آمارهای به دست آمده، خشونت علیه زنان متوقف نشده است.

در این زمینه پیشرفت‌های زیادی حاصل شده ولی هنوز راه طولانی برای رسیدن به برابری جنسیتی و پایان دادن به خشونت علیه زنان پیش رو داریم؛ این مشکل حل نخواهد شد تا زمانی که مردان هم دریابند این موضوع مشکل آنها هم هست، زیرا اکثراً مردان مرکب خشونت می‌شوند.

عملی که مردان می‌توانند برای توقف خشونت علیه زنان انجام دهند

- بپذیرید که مسئولیت خشونت خانگی علیه زنان بر عهده مردیست که پرخاشگری کرده
- وقتی می‌بینید که مردان دیگر در حال خشونت هستند، تنها یک مشاهده‌گر ساکت نباشید
- مردانی که حرف‌های جنسیت زده می‌زنند و درباره‌ی زنان جک‌های نامناسب می‌گویند را به چالش بکشید
- از زنان دیگر درباره‌ی تاثیر خشونت بر زندگی‌شان سوال کرده؛ خوب به حرف‌هایشان گوش دهید و اطلاعات کسب کنید.
- به این فکر کنید که چگونه نگرش‌ها و طرز صحبت‌تان، در مسئله‌ی خشونت علیه زنان سهم دارند

• اگر شاهد خشونت خانگی بودید به مراکز مربوطه تماس بگیرید، با خود نگویید که این به ما ربطی ندارد و موضوع شخصی یا خانوادگی است.

- عکس‌های رسانه‌ای از زنان که آنان را تحقیر می‌کنند، در واقع نوعی از خشونت‌اند، آن‌ها را تشخیص دهید.
- مجلات، فیلم‌ها یا موزیک ویدیوهایی که خشونت علیه زنان را تشویق می‌کنند، خریداری نکنید
- صحبت با پسران و مردان جوان درباره داشتن **روابط سالم** کنید و الگوی خوبی برایشان باشید
- اگر فکر می‌کنید دارید مرتکب سوءاستفاده‌ی عاطفی، کلامی یا جنسی می‌شوید، کمک بخواهید و به متخصصین مراجعه کنید.
- به گروه‌های زنان و مردانی که نگران تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان هستند ملحق شوید
 - از فعالیت‌ها و گروه‌های ضد خشونتی حمایت کنید.
- از آنجایی که زنان در تیررس هدف تبعیضات جنسی قرار دارند، کلید پیشرفت حق و حقوق انسانی زنان در درون جامعه نهفته است.

با وجود چالش‌های گوناگون، زنان همچنان به راه خود ادامه می‌دهند و در تلاشند تا خشونت را کاهش دهند.

منابع :

1-شيري، معصومه؛ محمدخاني، پروانه (1384) (بررسي رابطه بين مولفه هاي شناختي زوجها و رضايت زناشويي).

2-پاياننامه کارشناسي ارشد روانشناسي باليني، دانشگاه علوم بهزيستي و توانبخشي تهران.

3-محمدخاني، پروانه؛ رضاييدوگاهه، ابراهيم؛ محمدي، محمدرضا؛ آزادمهر، هديه (1385).

شيوع الگوي خشونت خانوادگي، ارتکاب يا تجربه آن در مردان و زنان. فصلنامه علمي-پژوهشي رفاه اجتماعي، شماره 21، 205-225.

4-محمدخاني، پروانه، محمدي، محمدرضا؛ رضاييدوگاهه، ابراهيم؛ آزادمهر، هديه (1386) آسیب شناسي رواني، مشکلات شخصي و ارتباضي مرداني که مرتکب خشونت خانوادگي ميشوند فصلنامه علمي- پژوهشي توانبخشي، شماره 27، 90-.

97 Asia, S. G., Olson